[30] سخنانی بگويم، كه در آن رضای خدا بوده وبرای اين حاضران اجر و ثوابي باشد. يزيد اجازه نداد، مردم گفتند: امير، اجازه بده تا بر منبر رفته شايد از أو سخنی بشنويم، يزيد گفت: اگر أو بر فراز اين منبر برود، پائين نمی آيد مگر آنكه من وخاندان أبو سفيان را رسوا سازد، كسی گفت: امير مگر اين اسير چه می داند وچه می تواند بگويد، يزيد گفت: أو از خاندانی است كه علم را از كودكی با شير مكيده اند وبا خون آنها در آميخته است. با اصرار مردم يزيد اجازه داد وامام بر فراز منبر - يا به تعبير امام بر فراز چوبها - رفته وفرمود: " مردم ! خداوند به ما خاندان پيامبر شش امتياز ارزانی داشته وبا هفت فضيلت برتری بخشيده است، شش امتياز ما اينستكه خدا به ما: علم، حلم، بخشش، بزرگواری، فصاحت وشجاعت عطا كرده ومحبت ما را در دلهای مؤمنان قرار داده است. هفت فضيلت ما اين است كه: پيامبر برگزيده خدا از ماست، صديق (علی بن ابي طالب) از ماست، جعفر طيار از ماست، شير خدا وشير رسول أو (حمزه سيد الشهداء) از ماست، دو سبط اين امت حسن وحسين از ماست. مردم ! هركس مرا شناخت كه شناخت، وهركس نشناخت خود را به أو معرفی می كنم ! من پسر مكه ومنايم، من پسر زمزم وصفايم، منم فرزند آن بزرگواری كه " حجرالاسود " را با گوشه واطراف عبا برداشت، منم فرزند بهترين كسی كه احرام بست وطواف وسعی بجا آورد، منم فرزند بهترين انسانها. _____